

	گاندو را در مکران ببینید مونا قاسمیان		شوخی‌های بیمارستانی نیویورک یحیی تدین		پیشقراولان خنده‌درمانی حسن کریم‌زاده		یه تنور خیرات برای اهل قبور الهام دانیالی	
۱۶		۱۵		۱۵		۱۴		

پنجمین نوبت

به تماشای آثار کارلو برتوجی

آنها نمی خواهند جایی باشند جز همان‌جا

کارلو برتوجی نقاش و مجسمه‌ساز ایتالیایی در سال ۱۹۴۶ در توسکانی این کشور متولد شد و امروز در شهر فلورانس زندگی و کار می‌کند. وقتی منتقدان و هنردوستان اولین بار در سال ۱۹۷۴ آثار او را در یک نمایشگاه گروهی دیدند، به خاطر تفاوت بنیادی‌شان با آثار هنرمندان جوان دیگر، آنها را به خاطرشان سپردند؛ هنرمندی خلاق و شجاع بار دیگر متولد شده بود. در سال‌های بعد، برتوجی در پی یافتن شخصیتی مجزا و قابل دفاع برای آثارش، سبک نقاشی کنونی‌اش را برگزید. او در اغلب آثار نقاشی‌اش، از درونمایه‌هایی بسیار واضح بارنگ‌هایی درخشان و تاثیرگذار استفاده می‌کند و از این نظر، از بسیاری از نقاشان هم‌عصرش متمایز شده است. او از موضوعاتی برای نقاشی بهره می‌برد که در زندگی روزمره ذهنش را به خود مشغول می‌کنند، او هنر را جدا از زندگی انسان بر کره زمین نمی‌داند و به پیچیدگی بیش از حد آن کوچک‌ترین اعتقادی ندارد.

در میان تمام موضوعاتی که در طول سال‌ها برتوجی را شگفته خود کرده، ابدی بودن چهره‌های انسانی، قهرمان‌های بی‌زمان و کودکان در نقش این قهرمان‌ها بیش از هر چیز، به علامت مشخصه آثار برتوجی بدل شده‌اند. در بسیاری از آثار او، کودکانی را می‌بینیم که فارغ از جهان پیرامون‌شان، بازی‌های ابدی کودکانه‌شان را دنبال می‌کنند و انگار در نهایت، خود بخشی از ابدیت می‌شوند. برتوجی در بسیاری از نقاشی‌هایش، سراغ قهرمانان افسانه‌ای و اسطوره‌ها می‌رود، آنها را در تضاد با جهان ما اما در زمینه‌هایی آشنا به تصویر می‌کشد و این گونه است که آنها را از تاریخ چند هزار ساله بیرون می‌کشد و پیش رویمان، در هزاره سوم قرار می‌دهد. او به تصویرهای بی‌زمان و بی‌زمان کردن تصویرها و قهرمان‌ها و افسانه‌ها علاقه دارد؛ علاقه‌ای که از رنگ‌های درخشان و ترکیب‌بندی قابل لمس نقاشی‌هایش به بیننده هم منتقل می‌شود.

بسیاری از منتقدان هنری و انهایی که تفاوت آثار برتوجی را با هم‌عصرانش تشخیص



می‌دهند، از پیوند خجسته هنر اسطوره‌ای امپراتوری روم بااستان و مدرنیته مخفی در پس آثار برتوجی از یک طرف و تاثیرگذاری این آمیزش دلنشین از سوی دیگر ابراز شگفتی می‌کنند. ارزش آثار برتوجی، خود را در قالبی ساده و در عین حال شگرف می‌نمایاند. آثار او از زیبایی‌شناسی هنر باستانی تجدیدشده در ترکیب با هنر معاصر متولد شده‌اند که به آرامی با تاریخ درمی‌آمیزد و آن را به جهان امروز معرفی می‌کند. برتوجی ریشه‌هایش را محترم می‌شمارد و

معتقد است برای خلق آثاری «این‌زمانی» حتماً نباید دست به دامان رسانه‌ای جدید و خام شود. او می‌تواند اسطوره‌ها و مجسمه‌های مرمرین روم باستان را در آثاری به تصویر بکشد که برای مخاطب امروزی آشنایی مطبوعی دارد. در طراحی‌های ابتدایی و جدیدتر برتوجی روی کاغذ هم می‌توان این دلمشغولی را خوب دید و فهمید.

اما برای بسیاری از منتقدان هنری، آثار برتوجی حتی از این هم فراتر می‌روند. مارچلو پتزا یکی از این منتقدان است که آثار برتوجی را ترکیبی از هنر و توانایی نقاش در گذار از مرزهای ذهنی می‌داند: «هیچ شکی نیست که نقاشی برای برتوجی، روشی برای بررسی وقایع و جنبه‌های مختلف ادراک و رسانه‌ای است که به کمک آن می‌شود پیچ و خم‌های مختلف ذهن انسان را درهم نوردید.» خیلی زود می‌شود به این نتیجه رسید که اساسا هنر برای برتوجی، رسانه‌ای برای غایت مقدس است برای به تصویر کشیدن حیات انسانی و حفاظت از این حیات در مقابل گذر بی‌رحم زمان. برتوجی در بسیاری از آثارش، کودکانی را بر بوم نقاشی‌اش ابدی می‌کند که نمایندگان آینده انسان و پیوستگی او در جهان طبیعتند. کودکان برتوجی با آن رنگ‌های شاد و بازی‌های بی‌پایان‌شان به اسطوره‌ها و افسانه‌های جهان معاصر ما تبدیل شده‌اند؛ قهرمانانی که بار حیات آینده این حیوان ناطق را بر دوش می‌کشند. نقاش در خلال آثارش سرخ‌هایی به دست‌مان می‌دهد، انگار هر چیزی در نقاشی‌های برتوجی کتابه‌ای است معنی‌دار؛ اشاراتی معماگونه که زمان را در این آثار بی‌معنا می‌کنند. انگار بازیگران صحنه برای یک لحظه به قربانیان ساکن و صامت یک طلسم تبدیل می‌شوند. لورنزو ناللی این بعد از آثار برتوجی را این گونه توصیف می‌کند: «شخصیت‌های انسانی و آشنای آثار برتوجی در یک لحظه در جوی متفاوتی‌گی گرفتار می‌شوند و زمان و مکان را برای همیشه از دست می‌دهند. مخاطب که انگار از پیش این نکته را می‌داند از دیدن یک اسطوره رومی در فضای تقریباً مدرن امروزی یکه نمی‌خورد و آن را به راحتی می‌پذیرد و به ذهن می‌سیپارد.» از این طریق است که انگار برتوجی برای همیشه ذهنیت مخاطبانش را از تقدس افسانه‌ها و فرآانسانی بودن‌شان دگرگون می‌کند. ما به شخصیت‌های حاضر در نقاشی‌های برتوجی می‌نگریم و خود تحت تاثیر افسون او قرار می‌گیریم. نگاه شگفت‌زده‌مان در اختیار نقاش قرار می‌گیرد و مجبور به کشف سحر هر اثر می‌شود. برتوجی مدلی شعرگونه از نقاشی ارائه می‌دهد که بر پایه کیفیت تصویری استوار شده است؛ کیفیتی که از استعداد رمزگونه‌اش و از ظرفیت نامحدود زبان استعاری و نمادین نقاشی و از رنگ سرچشمه می‌گیرد. در بعضی از آثار این هنرمند ایتالیایی حداقل یک شخصیت فرازمانی به تصویر کشیده شده که در فضایی امروزی برای بیننده قابل درک می‌شود و اینجاست که خلاقیت کم‌نظیر نقاش در آمیختن تاریخ با جهان امروز خودنمایی می‌کند. شاید به همین دلیل است که بسیاری برتوجی را یکی از پیشگامان بازگرداندن هنر کلاسیک در طول دو دهه گذشته می‌دانند. این بازگشت با آثار برتوجی خصوصاً در نقاشی معاصر ایتالیا به خوبی احساس می‌شود. برتوجی از همین حالا هم در میان هنرمندانی قرار دارد که به خاطر محتوای غنی تاریخی در آثارشان ماندگار شده‌اند. گرچه بسیاری آثار برتوجی را هنری معاصر و تجربی می‌دانند، میراث تاریخی نهفته در آنها را مجموعه‌ای ارزشمند برای هنر معاصر ایتالیای امروز معرفی می‌کنند. او موجودیتش در لحظه را از طریق کشف «نظمی هم‌زمان» بیان می‌کند که در آن شعر اکنون حضورش را در گذشته به تصویر می‌کشد و از این طریق گذشته را به زمان حال می‌آورد و آن را توصیف می‌کند. حافظه مثل شنونده قصه‌های گذشته و بیننده تصاویر جدید عمل می‌کند و چنین است که زمان حال در نقاشی‌های برتوجی واقعی و در ادامه تاریخ نمایان می‌شود. بسیاری از منتقدان هنری، آثار برتوجی را در همین قالب بررسی می‌کنند و اغلب بر بی‌زمانی شخصیت‌های حاضر در نقاشی‌های او صحه می‌گذارند. حیوانا اوتزانی در سال ۲۰۰۰ آثار برتوجی را چنین به نقد نشست: «انسان‌ها و اشیا در آثار برتوجی، نوعی نمایش را یادآوری و اجرا می‌کنند؛ نگاهی ترکیبی که هنرمند از طریق آن به جهان می‌نگرد. برتوجی بر داستانی تمرکز می‌کند که قصد بیانش را دارد، یعنی بر روابط شخصی‌اش با محیط پیرامون و با تاریخ. او با استفاده از بازی بازتاب‌ها، تقاطع طرح‌ها و زمان‌ها و تصاویر آینه‌ای، به دنبال شباهت‌ها و نقاط مشترک می‌گردد، میان خودش، مخاطبش و البته تاریخش. او این شباهت‌ها را با بیننده به اشتراک می‌گذارد.

ترکیب‌بندی صیقلی و شفاف، زبان آشکار و آرامش‌بخش، تناژهای هوشمندانه و خاطرات مشترک در آثار کارلو برتوجی به بیننده چنین یادآوری می‌کند که به تصویر کشیدن جادوهان زمان حال با استفاده از ابزار شعرگونه خلاقیت و رنگ و هارمونی، نتیجه‌ای دلنشین و از نظر زیبایی‌شناختی ارزشمند دارد که اکنون به بخشی از هویت هنر معاصر ایتالیا بدل شده است. جهان شعرگونه برتوجی، مدام میان خاطراتش در گردش است، نقاشی‌هایش هم همچنین. بسیاری از آثار برتوجی خصوصاً آنهایی که در سال‌های اخیر نقاشی شده‌اند، تصاویری از شاگردان نقاشند که در محیطی واقعی و زمانی سپری‌شده پیش رویش قرار داشتند؛ تصاویر پسرانی که روی میزهایشان خم شده‌اند و طراحی می‌کنند یا مشغول قایم باشند. این تصاویر توالی به‌هم‌پیوسته از حرکت و حیانتند که هر کدام در یک قاب مجزا به تصویر کشیده شده‌اند؛ برش‌هایی از یک فیلم مستند که به اهستگی به نمایش گذاشته می‌شوند.

